

اورینٹل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۳، مسلسل شماره ۳۳، سال ۲۰۲۲ء

بررسی روایت های منشور و منظوم داستان سیف الملوک و بدیع الجمال

گوهر اقبال (پی ایچ ڈی)
دانشکده دولتی اسلامیہ، سول لائنز، لاہور

REVIEW OF THE CONVENTIONS OF THE SAIF AL-MULUK AND BADI AL-JAMAL IN POETRY AND PROSE

Gohar Iqbal, PhD
Lecturer in Persian
Govt. Islamia Graduate College, Civil Lines, Lahore

Abstract

Saif al Muluk and Badi al Jamal is a great literary work and a tremendous and everlasting master piece. It is a crystal clear proof of its universality that many intellectuals followed its style to narrate parables in poetry and prose in different eras adopting different languages. The Subcontinent is a land of those people who carry a legacy of love that possesses a great affection for its manuscriptual heritage. In this article different epics of Iran and Subcontinent being written on Saif al Muluk has been discussed.

Keywords:

Saif al Muluk, conventions, poetry, prose, literary work.

اورینشل کالج میگزین، جلد ۹۸، شماره ۳، مسلسل شماره ۳۷۳، سال ۲۰۲۲ء

داستان سیف الملوک و بدیع الجمال یکی از داستان های منشور هزار و یک شب اقتباس شده است۔ به قول هرمان اته (Herman Ethay 1844.1917)، اگر از رمان های بزرگ و غالباً چند جلدی به رمان ها و داستان های افسانه مانند کوتاه تری منتقل شویم یکی از معروف ترین آن ها عبارت است از داستان شاهزاده سیف الملوک و شاهزاده خانم بدیع الجمال به نام قصه سیف الملوک و بدیع الجمال که به شکل کوتاه و دراز موجود است۔ این داستان از مأخذ معروف و جالب عربی یعنی الف لیله و لیله (هزار و یک شب) که خود آن نیز به فارسی ترجمه شده، اقتباس گشته۔ (۱)

داستان سیف الملوک در الف لیله و لیله تنها داستانی است، که شباهت کامل در زبان فارسی دارد و نسخه های فارسی آن را ادوارد ویلیام لین (Edward William Lane 1801-1876) در کتاب خود "Arabian Nights Entertainments" نشان داده است۔ (محبوب، ۳۷۴)

این داستان زاده تخیل است و هیچ گونه ریشه تاریخی ندارد۔ این اثر علاوه بر این که یک داستان عاشقانه و غنایی است، یک قصه عامیانه از نوع قصه پریان هم است۔ آدم زاد شاهزاده سیف الملوک با شنیدن وصف پری زاد بدیع الجمال از کسی و سپس دیدن عکس اش شیفته او می شود۔ معشوق نیز شاهدختی در ناحیه ناشناخته زندگی می کند و شاهزاده برای یافتن اش پابه سفر می گذارد و موفقیت به دست می آورد۔

این داستان عشقیه به تصویر های بدیع، زیبا و توصیف های شگفت و حوادث خیالی و معجز آسا و جادویی آراسته است۔ حضور عناصر غیر انسانی و فوق العادی بسیار پررنگ است۔ داستان سیف الملوک و بدیع الجمال از سال های دراز محبوبیت شامخی در میان مردمان دیار های دور و نزدیک داشت، و به همین علت از مرز های هند به جا های دیگر رهسپار شده است۔

محقق نامور دکتر ظهور الدین احمد درباره مأخذ داستان "سیف الملوک و بدیع الجمال" چنین می نویسند:

اطلاعات دقیقی که راجع به این داستان فراهم شدند از آن ها معلوم می شود که این قصه اولین بار به عنوان "بدیع الجمال و سیف الملوک" ابوالمکارم مشهود (۱۰۷۳/ق ۱۶۶۲م) به نظم فارسی تنظیم کرد ولی ناتمام گذاشت۔ افزون بر آن اشخاص زیادی این قصه را به نثر نوشته اند و هر یک از این ها اسلوب بیان و سبک جدا گانه داشته اند۔ ممکن است که در وقایع داستان هم اختلاف داشته باشند۔

اورینشل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۳، مسلسل شماره: ۳۷۳، سال ۲۰۲۲ء

در فہارس چابی کتاب خانہ ہای مختلف بہ صورت دست نوشت ہایی موجود اند بہ قرار ذیل است: نسخہ ہای خطی انجمن ترقی اردو۔ شماره ۷۳ ق ف ۲۵۴
سنٹرل ریکارڈ آفس پبلک لائبریری پشاور، پاکستان، شماره ۱۲۹ در برابر این شماره
دو نسخہ خطی محفوظ اند۔ نسخہ اول مشتمل بر ۲۲۸ صفحہ است و نسخہ دوم ۳۲۳ صفحہ
دارد، ولی ناقص الآخر است۔

کتاب خانہ دانشکدہ اسلامیہ، پشاور، نیز بر شماره ۱۵۴۸، یک نسخہ خطی بہ عنوان
”داستان سیف الملوک شاہزادہ“ مؤلف آن میرزا محمد غفران است۔ داستان سیف الملوک
منظوم و مطبوعہ از محمد عثمان المعروف بہ بلبل در جلال آباد، افغانستان ہم هست۔ (۳)
باغ بہار (قصہ سیف الملوک و بدیع الجمال) داستان منشور عاشقانہ در فارسی است
کہ سید مکرم حسین در سال ۱۰۳۷ھ/۱۶۲۸م نگاشته است۔ نسخہ خطی منحصر بہ فرد ”باغ
بہار“ در کتاب خانہ مرکزی دانشگاه پنجاب، لاہور بہ شماره ۳۷/۸۵۶۶ S نگہداری می
شود۔ (۴)

در دیباچہ برخی از نسخہ ہای خطی این داستان آمدہ است کہ احمد بن حسن
میمندی (۳۲۴ ق/۱۰۳۲ م) بہ درخواست سلطان محمود غزنوی (۳۸۹-۴۲۱ ق/۹۹۸-
۱۰۳۰ م) بہ جست و جوی این داستان برآمد و سرانجام آن را در خزانہ شاہی دمشق پیدا کرد و
تحریری از آن برای سلطان محمود فراہم آورد۔ گویا این داستان یکی از داستان ہای مجموعہ ای
بہ نام روح افزاد خزانہ شاہی دمشق بودہ کہ اکنون نشانی از آن در دست نیست۔ (۵)
میرزا بدیع اصفہانی (۱۱۱۸ ق/۱۷۰۶ م) بنا بہ خواستہ شمشیر خان این داستان را بہ
نام ”گلدستہ“ در روزگار پادشاہ تیموری ہند اورنگ زیب عالم گیر (۱۰۶۸-۱۱۱۸ھ/
۱۶۵۷-۱۷۰۶ م) بہ رشتہ نظم کشید و در سال ۱۲۹۰ھ/۱۸۷۳ م در بمبئی بہ چاپ رسیدہ است۔
یکی از شاعران ہندوی بہ نام خلیق لاہوری است۔ او منظومہ خود را بہ نام ”جذب
رسا“ در سال ۱۱۹۶ھ/۱۷۸۵ م بہ اتمام رساندہ است۔ چنان چہ خودش تاریخ می گوید:

چو از فیض سخن کردم تمام اش
خرد ”جذبِ رسا“ بنہاد نام اش
بر آمد طرفہ تاریخ اش بہ صد ذوق
”بہ گل زیبا بود می خانہ شوق“

نسخہ خطی منحصر بہ فرد این مثنوی در کتاب خانہ مرکزی دانشگاه پنجاب، لاہور،
پاکستان، در ذخیرہ شیرانی بہ شماره ۱۱۷، Spi۷۱ محفوظ است۔ (۶)

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۸، شماره ۳، مسلسل شماره: ۳۷۳، سال ۲۰۲۲ء

سیف الملوک و بدیع الجمال از میر صوبدار خان که نخستین مثنوی از خمسه اوبودو در ۱۲۲۷ ق/ ۱۸۳۱ م، در ۱۲۵۰ بیت سروده شده است. نسخه ای از مثنوی میر صوبه دار خان در کتاب خانه حیدرآباد، بخش ذخیره تالپوری، نگه داری می شود. (۷)

نسخه ای دیگر "مثنوی سیف الملوک و بدیع الجمال" در کتب خانه آصفیه سرکار عالی هم موجود است. سراینده آن میرزا ببر علی لکهنوی است. این نسخه تحت شماره ۳۳۱ است. سال تالیف آن معلوم نیست و ناقص و آب رسیده است. یک نسخه ناشناخته سیف الملوک و بدیع الجمال در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی قرار دارد که حدود هفت صد و پنجاه بیت است. این نسخه خطی به شماره ق ۲۲۶/۳ قرار دارد. (۸) احمد منزوی در فهرست نسخه های خطی کتاب خانه گنج بخش تحت شماره ۱۶۸۵ در باره دو نسخه ازین قصه به عنوان "سیف الملوک و بدیع الجمال" در داستان فرزند پادشاه مصر که سیف الملوک نام داشت ذکر کرده است. (۹) دو نسخه دیگری این مثنوی در کتاب خانه گنج بخش، اسلام آباد، پاکستان، به شماره ۹۴۴، ۲۰۲۲ نگهداری می شود. (۱۰) نسخه خطی "سیف الملوک و بدیع الجمال" در کتاب خانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان به شماره S-۳۲/۸۵۶۳ نگهداری می شود. (۱۱)

از متون منشور این داستان، نسخه های پر شماری در کتاب خانه های متعدد با تحریر های گوناگون وجود دارد که از آن نمونه اند:

نسخه های کتاب خانه های موزه بریتانیایی (۲ نسخه)، لنین گراد (۱۰ نسخه)، قاهره و نیز بیشتر کتاب خانه های هند و پاکستان میکرو فیلم نسخه ای از این داستان در کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران (شماره ۱۲۴) نگه داری می شود. (۱۲)

میر احمد کابلی این قصه را در سال ۱۳۳۷ هـ/ ۱۹۱۸ م پایان رسانید. نسخه ای از این مثنوی در کتاب خانه موزه ملی کراچی شماره N.M. ۱۹۷۲-۱۳۸/۱ نگه داری می شود. (ضیائی، ۵۰۰) محمد عمر این قصه را در قالب مثنوی در آورده است. ملا محمد عثمان محفل جلال آبادی به عنوان "سیر السلوک" این داستان عشقیه را به رشته نظم کشید، که در سال ۱۹۱۰ء در چاپ خانه نول کشور از لاهور به چاپ رسید. ابوالبقا امیر خان هم این قصه را سروده است. یک نسخه خطی در کتابخانه پرفسور احمد حسین قریشی موجود است. نام شاعر سید علی همدانی است. همین طور در موزه ملی کراچی یک نسخه خطی منشور از آن نگهداری می شود. این نسخه ۲۷۶ صفحه دارد و ناقص الاول و آخر است، به همین علت نام مؤلف معلوم نمی شود. (۱۳)

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۳، مسلسل شماره ۳۷۳، سال ۲۰۲۲ء

سیف الملوک و بدیع الجمال از ناشناسی که در دیباچه می گوید این قصه را به نثر از دوستی گرفته و آن را به نظم در آورده است. نسخه ای از این مثنوی در کتاب خانه انجمن ترقی اردو شماره ۳ ق ۱۵۴ نگه داری می شود. نمونه های بسیار مثنوی هایی که از این داستان ساخته شده، گواه آن است که این قصه امکانات بسیاری برای سرایش مثنوی های عاشقانه فارسی به ویژه در هند و پاکستان به وجود آورد. شخصیت های این داستان نیز بعد ها به شکلی دیگر و در داستان های دیگر باز پیدا شدند و این داستان را به شکلی دیگر آفریدند. در داستان بدیع الجمال و شاهزاده مصری/شاهزاده و دختر فغفور/جوانا مرگ، به تحریر مولانا عبدالغفور سقیم، شخصیت بدیع الجمال دختر فغفور چنین است که زیبایی جهانگیر دارد و شرط ازدواج خود را پاسخ دادن خواستگار به پرسش هایش قرار می دهد. شاهزاده مصری نیز در این داستان به دربار او می رود و یکایک پرسش هایش را پاسخ می گوید و او را به همسری خود در می آورد. ظهور شخصیت های سیف الملوک در این قصه، نشانه ای از تغییر شکل این داستان به سوی داستان های بسیار کهن هندی است که ساختمان این قصه نیز آن را تأیید می کند. نسخه هایی از این قصه در کتاب خانه گنج بخش شماره های ۵۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹/۸۹۰ نگه داری می شود. شکل دیگری از داستان اخیر به نام ملکه روم و فقیه/داستان هزار مقاله/داستان هزار مسئله دختر قیصر روم وجود دارد که در آن نشانی از سیف الملوک و بدیع الجمال نیست، اما فقهی ترکستانی به نام عبد العلیم یا عبد الحکیم پرسش های ملکه روم را پاسخ می دهد و با او ازدواج می کند. پرسش ها و پاسخ های دینی شکل داستان را مذهبی کرده است و نشانی از نگارش آن در زمان های نزدیک دارد. از این قصه نیز نسخه ای در کتاب خانه لنین گرا دنگه داری می شود. (۱۴)

غواصی دکنی نخستین کسی است که این قصه را به اردو در سال ۱۲۲۵ م به رشته نظم کشید. شاکر علی این داستان را در نثر نوشته است. سید منصور علی سبزواری منظومه خود را به نام "بحر عشق" در سال ۱۸۰۳ م سروده است. (۱۵) مثنوی جسونت رائی به خواسته نواب سعادت الله خان ناظم اول آرکات مثنوی اردوی، غواصی دکنی را به فارسی برگرداند.

نجم الدین احمد، این قصه را در سال ۱۳۱۰ هـ/۱۸۹۲ م سروده است. اصغر علی نسیم منظومه خود را در سال ۱۲۴۴ هـ/۱۸۶۸ م سروده است. این داستان از چاپ خانه نول کشور، لاهور به چاپ رسید. عاجز بتالوی، این قصه را سلک نظم کشید، و نسخه خطی منحصر به فرد این مثنوی در کتابخانه شیرانی به شماره ۱۳۵۱ نگهداری است. (شفیع عقیل، ۱۴/۱۵) امام الدین خان انور (متوفی ۱۲۵۹ هـ/۱۸۴۳ ع) منظومه خود به عنوان "افسانه

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۸، شماره ۳، مسلسل شماره: ۳۷۳، سال ۲۰۲۳ء
عشق“ سروده است- نسخه خطی این مثنوی در کتاب خانه استیت رام پور و نسخه دیگر
کتابخانه اورینتل، پتته وجود دارد- (۱۶)

این داستان مشهور به زبان پشتو هم نوشته شده است- سید راحت زاخیلی منظومه
خود را به نام “سیف الملوک افغانی” سروده است- زاخیلی این قصه را در پیروی “سیرالسلوک”
نوشته است- نعمت الله خان و محمد نور منظومه خود را به زبان پشتو سروده است- (۱۷)
تأثیر ادب فارسی بر ادب بنگالی تنها به نفوز واژگان و سبک فارسی محدود نیست
بلکه داستان ها و درون مایه های آن نیز به این ادبیات راه یافته است-

داستان سیف الملوک و بدیع الجمال که نخستین بار به دست دونا غازی، از مردم
چاندپور در اواسط سده شانزدهم میلادی به نظم بنگالی درآمده است- این برگردان چون به زبان
پراکریت و ساده تر است- از دیگر ترجمه های بنگالی این داستان بیشتر رواج یافته است- (۱۸)
سید علاول (۱۶۰۷-۱۶۸۰م) ترجمه داستان “سیف الملوک و بدیع الجمال” را بنابه
خواهش منگن تها کور (Mangan Thakur) آغاز کرده بود، اما منگن تها کور در همان
روزها فوت کرد- در نتیجه آن سید علاول خیلی متأسف و دل شکسته گردید و ترجمه آن را ناتمام
گذاشت- سال ها بعد این کار را بنابه خواهش سید محمد موسی که از برجسته ترین مردان در
دربار راجا شری چندرا سودرما (Chandra Sudharma) (۱۶۵۲-۱۶۸۳م) بود، دوباره به
دست گرفت و به سال ۱۶۶۹م به پایان رسانید (۱۹)

عبدالحکیم شاه این داستان را به سبکی فارسی آمیز و بارنگ محلی سروده است- نام
اثروی داستان سیف الملوک و لال متی است- محمد عبدالرزاق داستان سیف الملوک و لال
بانورا در سال ۱۷۷۰م سروده است- (۲۰)

در سال ۱۸۲۸ء محمد ملک نامی که پیشه منشی گری داشت و در ۱۸۷۵م
مترجمی به نام مال محمد، از مردم داکا، این داستان را به بنگالی ترجمه کرده اند- (۲۱)
این داستان عاشقانه به زبان پنجابی هم سروده شده است-

مولوی لطف علی بهاول پوری این قصه را اولین بار به زبان پنجابی سروده است- شاعر
این منظومه را به نام سیفل نامه در سال ۱۷۸۱م به سلک نظم کشیده است- هم چنین احمد یار
گجراتی این داستان را به زبان پنجابی نگاشته است- (۲۲)

میان محمد بخش (۱۸۳۰-۱۹۰۷ء) این قصه را در ۱۸۵۵م سروده است- شاعر به
جهت بینش درونی خویش و با مقتضیات عصر، افکار عارفان را در منظومه خویش وارد کرده
است- این داستان میان مردم شبه قاره شهرت زیادی دارد و در مجالس سماع سروده می شود- در

اورینتل کالج میگزین، جلد ۹۹، شماره ۳، مسلسل شماره ۳۷۳، سال ۲۰۲۲ء

این منظومه، بیان اندرزها و حکمت های اخلاقی منظور است، شاعر می خواهد که خورد سالان و سال خوردان راه و رسم زندگی را در دست بگیرند. هدف این عشقیه اصلاح جامعه است و برای نیل آمدن به همین مقصود، شاعر، خصایل رزیده و بی ثباتی دنیا را مورد انتقاد و ریاضت و توکل را مورد ستایش قرار می دهد. در شعر میان محمد بخش، سیف الملوک نماد سالک است، سالکی که جز به رضایت معشوق هیچ چیز را به خاطر نمی آورد. او از بقای خویش گذشته و به فنا در معشوق رسیده است. برای رسیدن به معشوق، با موانع متعددی روبه روی می شود. عاشق برای رسیدن به معشوق باید همه سختی ها را پشت سر می گذارد. این منظومه از هر دو منظر عاشقانه و عارفانه قابل بررسی باشد.



منابع

- (۱) هرمان کارل اته، تاریخ ادبیات فارسی، مترجم رضا زاده شفیق، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۵)، ۲۱۹-
- (۲) احمد، ظهورالدین، پاکستان میں فارسی ادب، جلد پنجم، (لاهور: اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، ۱۹۸۵ء)، ۱۴۱-۱۴۰-
- (۳) خضر نوشاهی، فهرست نسخه های خطی فارسی، کتاب خانه دانشگاه پنجاب، (لاهور: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان)، ۳۱۲-
- (۴) ضیائی، مهرداد، دانشنامه ادب فارسی، جلد سوم، به سرپرستی حسن انوشه، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ء)، ۵۵۰-
- (۵) خلیق لاهوری، منشی دیوان سنگه، جذب رسا، تصحیح و مقدمه دکتر نسرین اختر، (لاهور: دانشکده خاورشناسی، دانشگاه پنجاب، ۲۰۰۱م)، ۳۳-
- (۶) ضیائی، مهرداد، دانشنامه ادب فارسی، جلد سوم، به سرپرستی حسن انوشه، (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱ء)، ۵۰۰-
- (۷) صدیقی، طاهره، داستان سرائی، فارسی در شبه قاره در دوره تیموریان، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۵۷م)، ۹۳، ۹۴-
- (۸) خضر نوشاهی، فهرست نسخه های خطی فارسی، کتاب خانه دانشگاه پنجاب، لاهور، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان- ۱۲۲۰
- (۹) احمد منزوی، فهرست نسخه های خطی کتاب خانه گنج بخش، جلد سوم، اسلام آباد، ۶۴/۳
- (۱۰) ایضا: ۹۶۶/۸
- (۱۱) ضیائی، مهرداد، دانشنامه ادب فارسی، جلد سوم، به سرپرستی حسن انوشه، ۵۰۰-
- (۱۲) ایضا: ۵۵۰-
- (۱۳) میان محمد بخش، سیف الملوک، ترجمه: شفیع عقیل، انجمن ترقی پاکستان- صص ۱۳، ۱۴-

- اورینٹل کالج میگزین، جلد ۹۸، شماره ۳، مسلسل شماره: ۳۷۳، سال ۲۰۲۲ء
- (۱۴) قراگزلو، علی رضا نکاوٹی، دانشنامہ زبان و ادب فارسی، جلد چہارم، بہ سرپرستی اسماعیل سعادت، (تہران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۱ء)، ۷۳۔
- (۱۵) ہاشمی، عبدالقادر، دانشنامہ ادب فارسی، جلد چہارم بخش یکم، بہ سرپرستی حسن انوشہ، (تہران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ء)، ۳۹۵۔
- (۱۶) گیان چند، دکت، اردو کی نثری داستانیں، (کراچی: انجمن ترقی اردو پاکستان، ۲۰۱۴ء)، ۵۷۷۔
- (۱۷) میان محمد بخش، سیف الملوک، ترجمہ: شفیع عقیل، انجمن ترقی پاکستان، ۱۷۔
- (۱۸) ہاشمی، عبدالقادر، دانشنامہ ادب فارسی، جلد چہارم بخش یکم، ۳۹۰۔
- (۱۹) کریم برق، نامورہ دکت محمود افشار، جلد دوم۔ باہمکاری کریم اصفہانیان، ۲۹۲۔
- (۲۰) ہاشمی، عبدالقادر، دانشنامہ ادب فارسی، ۳۹۵۔
- (۲۱) ایضا: ۳۹۰۔
- (۲۲) میان محمد بخش، سیف الملوک، مرتب، سید اختر جعفری، ادارہ ثقافت اسلامیہ، لاہور، ۱۷۔

BIBLIOGRAPHY

- Ahmad Munzavi, *Fehrist-i Nuskha hay-i Khaṭṭi Kitāb Khāna Ganj Bakhsh*, (Islamabad: 1980)
- Hashmi, Abdul Qadir, *Danish Nama e Adab e Farsi*, Sarparasti Hasan Anushay, (Tehran: Wazarat e Farhang wa Irshad e Islami 1380)
- Herman Ethay, *Tārīkh-i Adabiyāt-i Fārsi*, (Trans.) Raza Zada Shafaq, (Tehran: Banigah Tarjuma va nashr Kitabm 1352)
- Irij Afshar, Karim Isphanian, *Nāmvra-i Duktur Mehṃūd Efshar Yazdi*, (Tehran: Bunyad Mokofat Duktur Mehmood Efshar Yazdi).
- Karagazlu, Ali Raza Zakawati, *Danish Nama e Zaban o Adab e Farsi*, Sarparasti Ismail Saadat, (Tehran: Farhangistan e Zaban o Adab e Farsi 1391)
- Khaleeq Lahori, Munshi Dewan Singh, *Jazb e Rasa, Tashee wa Mukadama*, Dr Nasreen Akhtar, (Lahore: Oriental college PU, 2001)
- Mian Muhammad Bakhsh, *Saif al- Mulūk*, (Trans.) Shafi Aqeel (Anjuman-i Taraqqi-i Pakistan 1957).
- Mian Muhammad Bakhsh, *Saif al-Mulūk*, (Comp.) Syed Akhtar Jafari, (Lahore: Idara Saqafat-i Islamia, 2018).
- Syed Khizar Abbasi Naushahi, *Fehrist-i Nuskhā hay-i Khaṭṭi Fārsi Kitāb Khāna*, (Lahore: Markaz-i Tehqeqat-i Farsi Iran wa Pakistan, Punjab University).
- Tahira Siddiqui, *Dāstān Sarāi Fārsi dar Shibhy Qārā dar Daura-i Taimūriān*, (Islamabad: Markaz- i Tehqeqat-i Farsi wa Pakistan).
- Zahoore al Din Ahmad, *Pakistān mein Fārsi Adab*, (Lahore: Idara Tehqeqat-i Pakistan, Punjab University, 1985).
- Ziai, Meher Dad, *Danish Nama e Adab e Farsi*, Sarparasti Hasan Anushay, (Tehran: Wazarat e Farhang wa Irshad e Islami 1381)

